

برای آقایان:

یک زن واقعی، یک مرد واقعی می خواهد



مجید (majidarticle@yahoo.com)

دست آورد تقریباً ۵۰ سال فمینیسم تندرو، ویران کننده بوده است: جامعه‌ای که در مورد نقش جنسیتها دچار اغتشاش و سر در گمی شده؛ طغیان گروهی از زنان ستیزه جو که فریاد می‌زنند "ما به مردان نیاز نداریم"؛ اتهامهای ناروا درباره "تجاوز و آزار جنسی"؛ زنان خشمگینی که بخاطر مشکلات پیش روی خود، مردان را مقصر می‌دانند و خلاصه، زوال تدریجی هویت مردانه.

هر چه می‌گذرد، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم بیشتر و بیشتر زنانه میشود؛ مردان جوان بیشتری توسط مادران مجردی بزرگ می‌شوند که هیچ درکی از جنس مرد ندارند، اما به پسرانشان یاد می‌دهند که مرد بودن را رها کنند و دنباله‌رو زنان باشند. مرد امروزی مجبور می‌شود که بخاطر مرد بودنش شرمند باشد و آنرا ننگی بر دامن خود بداند.

ارضای زن - این عاملی شده در جهت نسخ هویت جنسی یک مرد. مردان امروزی برای زنهای انواع امکانات را فراهم می‌کنند و در عین حال داوطلبانه و با کمال میل، تمام قدرت مردانه خود را تسلیم آنها می‌کنند. اما در ازای آن فقط کمی "لطف جنسی" را از زن گدائی می‌کنند. یک مرد مدرن روی پوسته‌های تخم مرغ گام برمیدارد، هراسان از اینکه مبدا "حرف نادرستی" بزند؛ هراسان از آشکار شدن تمایل جنسی طبیعی او به یک زن؛ هراسان از اینکه مورد تمسخر، تحقیر و بی‌اعتنائی قرار گیرد؛ هراسان از خود واقعی‌اش.

تمام اینها به مثابه مگسهای بر چهره طبیعت هستند. در این سالها، به مردان اینگونه القاء میشود که شما موظفید زنهای راضی کنید؛ اما واقعیت این است که چنین جنبشهای اجتماعی خود ساخته‌ای، نمی‌تواند مسیر ۵ میلیارد ساله تکامل بشری را عوض کند. روشن است که نکته‌ای اساسی در جنس مؤنث گم شده است؛ آنها در واقع هیچ نشانه‌ای دال برای برتری جنسی خود بر مردان نمی‌بینند. قدرت جنسی یک زن به هیچ وجه قابل مقایسه با یک مرد نیست. هنوز هم فمینیسم مدرن کورکورانه می‌کوشد تا مردان را بصورت She-male های مطیع در بیاورد.

ساختار طبیعت بگونه‌ای است که مردان باید قوی، محکم، جسور و دوستدار سکس باشند. به همین دلیل است که هورمون تستسترون در جریان خون آنها موج می‌زند. این واقعیت یک مرد است، میراث اوست، بعنوان عضوی از جامعه مردان.

واقعیت این است که بر خلاف آنچه زنان می‌گویند و معترض آن هستند، آنها مردی را می‌خواهند که مانند یک مرد رفتار کند. اگر این پوسته را کنار بزنید، خواهید دید که آنها در اعماق وجود خود از مردی که رفتار زنانه داشته باشد بیزارند. پس وقت آن است که مردان از مرد بودنشان خجالت نکشند، ارزش طبیعت جنسی واقعیشان را بدانند، و اعتماد جنسیشان را باز یابند.

اما اعتماد جنسی (Sexual Confidence) چیست؟ قبل از هر چیز باید بدانید چه چیزهایی با آن منافات دارد.

مردانی که اعتماد جنسی ندارند:

- بدنبال تأیید شدن از جانب زنها هستند
- دنباله رو زنها هستند
- قابل پیش‌بینی و خسته کننده هستند
- هر روز به زنها تلفن می‌کنند و حتی بدتر، روزی چند بار اینکار را می‌کنند (کنه- نیازمند)
- سعی می‌کنند وقت و توجه خود را به غذاها، هدیه‌ها و اینجور چیزها معطوف کنند
- در مواجهه با زنها، عصبی و متزلزل می‌شوند
- بیشتر مانند دوستان زن رفتار می‌کنند تا عاشق او
- بدون هیچگونه رفتار جسورانه و اعتراض آمیزی، همیشه با زن مدارا می‌کنند
- اجازه می‌دهند که زن رابطه را کنترل کند
- می‌ترسند که اگر "کار اشتباهی" انجام دهند، ترکشان کنند
- پست و ذلیل می‌شوند تا سکس داشته باشند
- تمام گفته‌ها و اعمال زنها برایشان ایجاد عقده‌های روحی می‌کند
- به یک چشم بر هم زدن در دسترس قرار می‌گیرند
- در مورد جنسیت طبیعی خود شرمگین هستند و احساس گناه می‌کنند
- اجازه می‌دهند زنان آنها را به بازی بگیرند و یا با آنها مانند "کیفهای پول متحرک" رفتار کنند.

درست نقطه مقابل تمام اینها، اعتماد جنسی است. برای اینکه دیدگاهی در مورد اعتماد جنسی بدست آورید، فقط کافیهست به مردان و پسرانی که بعنوان ”شورور“ در جامعه معروفند، نگاه کنید. همین آدمهای خودخواه، خطرناک و شیادیه که زنان از آنها متنفرند و فحش نثارشان می‌کنند، ولی در عین حال مانند مورچه‌هایی که یک کارخانه آب‌نیات را کشف کرده باشند، دور آنها جمع میشوند. فکر می‌کنید چرا این مردها برای زنها جذابند؟ چون زنها با احساساتشان فکر می‌کنند، نه با عقلشان، و ”مردان شورور“ برای زنها محرک جنسی محسوب می‌شوند.

و اما بدرستی چه چیزی اعتماد جنسی را تعیین می‌کند؟ مردانی که اعتماد جنسی دارند:

- سرکش و مدعی هستند، نه اینکه مانند فرش جلوی در، پابوس باشند
- بخاطر آنچه که هستند معذرت نمی‌خواهند؛ آنها تمایلات جنسی خود را ابراز می‌کنند و با هویت مردانه طبیعی خود راحت هستند
- می‌پندارند که آنها ”بدست آورنده“ هستند، نه زن
- غیر قابل پیش‌بینی و رام نشدنی هستند
- نمی‌ترسند که خودشان باشند
- علاقه‌ای ندارند که برای جلب رضایت زنان به رفتار تصنعی روی آورند
- برای داشتن سکس از پول یا هدیه استفاده نمی‌کنند
- همیشه رابطه را خودشان کنترل می‌کنند
- هرگز ناهنجاریهای یک زن را تحمل نمی‌کنند
- واکنشهای فیزیکی ناشی از جنسیت، از خود صادر می‌کنند
- بخوبی و سادگی لاس می‌زنند
- ذاتاً لیدر (رهبر) هستند، نه دنباله‌رو
- بدون اینکه خجالت بکشند به بدن زنان نگاه می‌کنند
- دائم در دسترس نیستند
- برایشان مهم نیست که از طرف یک زن خاص تحقیر شوند، چون می‌دانند که خیلی‌ها در انتظار هستند. آنها خواستار سکس هستند، اما نیازمند آن نیستند و بخاطرش پست و ذلیل نمیشوند.

به عبارت دیگر، مردانی که اعتماد جنسی دارند نمی‌ترسند که خودشان باشند یا جنسیت ذاتی‌شان را بروز دهند. آنها اهمیت نمی‌دهند که جامعه در مورد آنها چه فکری می‌کند. بر خلاف مردان شورور، مردانی که اعتماد جنسی دارند به زنان توهین و تجاوز نمی‌کنند؛ در حقیقت آنها به تمام زنها عشق می‌ورزند و با آنها رفتار خیلی خوبی دارند، و زنان نیز نمی‌توانند دست از آنان بشویند.

مرد باشید!

خبر خوب اینکه، یک مرد لازم نیست مثل *آرنولد شوآرتزنگر* قوی یا مثل *دیوید بکهام* خوش قیافه باشد تا اعتماد جنسی داشته باشد و زنان را جذب کند. بلکه او باید به ذات مردانه خود رجوع کند و بگذارد این مردانگی در جامعه زنان درخشندگی داشته باشد.

وقتی یک مرد نسبت به جنسیتش اعتماد و اعتقاد داشته باشد، بی درنگ استقلال و فردیت خود را به رخ دیگران می‌کشد. او خواستنی‌تر می‌شود. تصویر ذهنی او از خودش ارتقاء می‌یابد و براحتی مطابق خود واقعی‌اش رفتار میکند، نه اینکه برای انطباق با وضعیت جاری اجتماع، مدام رفتارش را عوض کند.

زنها می‌توانند به چشمانش نگاه کنند و زبان بدنش را بخوانند و فوراً بفهمند که او عاشق خوبی است. چنین مردی بجای اینکه مثل فلک زده‌ها در جستجوی تأیید زنها باشد و مانند یک توله سگ دنبال آنها راه بیفتد، دیگر یک "مرد خواستنی" است و این زنها هستند که دنبالش راه می‌افتند، چون او خودش را از یک آدم ذلیل و پابوس به یک مرد سرکش و مدعی تبدیل کرده است.

یک ضرب المثل قدیمی انگلیسی می‌گوید: "هر کاری که همیشه می‌کردی بکن تا هر چیزی که همیشه بدست می‌آوردی بدست آوری." اگر واقعاً می‌خواهید مردی باشید که اعتماد جنسی و در نتیجه جذابیت جنسی داشته باشد، تنها کاری که باید انجام بدهید این است که همان مردی باشید که در ذات خود هستید.

این مقاله را مخصوصاً تقدیم می‌کنم به تمام مردانی که فکر می‌کنند بخاطر ظاهرشان از سوی زنها مورد بی‌اعتنائی قرار می‌گیرند و تمام زنانی که نمی‌دانند با مردان بی‌هویت امروزی چگونه باید رفتار کنند؛ گوئی که با یکی از همجنسان خود طرف شده‌اند. اما عزیزان من، هر چیز بجای خودش مناسب است. مرد باید مردانگی و زن باید زنانگی داشته باشد. آقایون! غرور مردانه چیز بدی نیست. خانمها! ظرافت و لطافت جزء ذاتی شماست. اگر جای این دو با هم عوض شود، به همین وضعیت نابهنجاری می‌رسیم که با آن دست بگریبانیم. به عقیده من بسیاری از معضلات اجتماعی و خانوادگی امروز ما به این خاطر است که نسل مردان رو به انقراض است.

نظرات سازنده خود را با من در میان بگذارید.